



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



دفتر طنز  
هوزه هنری

# جشنواره طنز سوره بسم الله الرحمن الرحیم

• مرداد ۱۳۹۳ • شماره سوم •

نشریه هشتمین جشنواره طنز سوره



## شبى که بوم و صحنه و پیرده نقره‌ای خندیدند

چکیده مقاله  
فره‌سوره

## طنز در آثار کودکانه منوچهر احترامی

زهرا ذری

طنز، یکی از گونه‌های ادبی است که به بررسی مشکلات و معضلات جامعه می‌پردازد و با بزرگ‌نمایی مشکلات و توسل بر انواع شوخ‌طبعی، ضمن این که از وضعیت موجود انتقاد می‌کند، لبخندی نیز بر چهره خواننده می‌نشانند. هدف طنز، افشاکردن عیوب و نشان دادن ناهنجاری‌های اجتماعی با زبانی غیرمستقیم است تا شاید بتواند موجب اصلاح آن معایب شود.

بنای طنز بر تقابل و تضاد است و از این جهت می‌تواند موجب قبض و بسط ذهن مخاطب شود.

اگر طنز از فضای آزاد، آزادی بیان و اغماض بی‌بهره باشد، چاره‌ای جز مرگ نخواهد داشت.

در طنز سه عنصر عمده: «انتقاد اجتماعی»، «خنده» و «اغراق» وجود دارد که اگر فاقد یکی از این سه عنصر باشد، ممکن است به هزل، هجو یا دیگر انواع شوخ‌طبعی نزدیک شود.

طنز از گذشته‌های دور در ادبیات فارسی حضور پررنگی داشته است و امروزه یکی از پرطرفدارترین ژانرهای ادبی در ایران و دیگر کشورهای جهان به شمار می‌رود. ساختار داستان کودکانه از لحاظ عناصر داستانی (طرح، موضوع، عمل یا حادثه، شخصیت، رفتار و گفتار) تفاوت چندانی با ساختار داستان‌های غیر کودک ندارد. تنها، مخاطب این دو نوع داستان است که بین آنها تفاوت ایجاد می‌کند.

منوچهر احترامی یکی از موفق‌ترین نویسندگان حوزه ادبیات کودک است که آثار کودکانه او نظیر «حسنی نگویه دسته‌گل»، کودکان سه دهه معاصر را به خود جذب کرده و با موضوع جذاب و شخصیت‌های دوست‌داشتنی، زبان روان و بیان کودکانه و موزون خود آن‌ها را تحت تاثیر قرار داده است.

احترامی از نیازهای کودکان آگاه بود و همین آگاهی موجب خلق آثار ماندگار او در حوزه کودک شد. او خود را آن قدر کوچک می‌کند که به دنیای کودک دست می‌یابد و مسائل را از دید او مطرح می‌کند.

توجه به ویژگی‌های مخاطب کودک و نوجوان در ژرف ساخت و روساخت و پرداختن به نیازهای واقعی و حقیقی کودکان از مهم‌ترین دغدغه‌های او در پرداختن داستان‌هایش می‌باشد.

از آنجا که یکی از اصول سخنوری و بلاغت این است که «گوینده باید مخاطب را بشناسد و در حد ذوقیات و دریافت او سخن بگوید».

خبر اول  
فره‌سوره

## حقیقت‌های نسبتا تلخ با چاشنی‌های نسبتا طنز!

محمد رودگر، نویسنده اهل استان قم، که با اثر «پارس آباد» در بخش داستان کوتاه هشتمین جشنواره سراسری طنز سوریه حضور دارد، معتقد است

این جشنواره باعث شده به داستان طنز توجه شود. محمد رودگر، نویسنده طنز پرداز کشور، در گفت‌وگو با خبرنگار پایگاه خبری حوزه هنری با بیان این که اکثر آثاری که به عنوان داستان طنز می‌شناسیم داستان نیستند و تنها طنز هستند، عنوان کرد: اگر می‌خواهیم داستان کوتاه بنویسیم باید عناصر داستان را بشناسیم. طنز ژانر جدی در ادبیات داستانی است و اگر اثر داستانی طنز می‌نویسیم، باید خوش‌خوان باشد. اگر اثر طنز به معنای واقعی تولید شود به تیراژ بالا می‌رسد. آثاری که در حال حاضر در زمینه طنز داستانی وجود دارند بسیار ضعیف هستند. رودگر با اشاره به این که نویسندگان کشور به داستان‌های

جدی اقبال بیشتری نشان می‌دهند، اظهار کرد: اگر نویسندگان امروز داستانی می‌نویسند که رگه‌های طنز دارد، آن اثر هم به سبک پاورقی و عامیانه است و داستان نیست. جشنواره طنز سوریه به دلیل جدیت و همتی که در پرداختن به طنز داشته است، باعث شده داستان طنز نیز مورد توجه واقع شود. وی با بیان این که اثرش را با موضوع ایران ۱۴۰۴ برای هشتمین جشنواره طنز سوریه ارسال کرده است، اظهار کرد: در این اثر امید و آرزوهایی که ایرانی‌ها برای آینده‌شان دارند را با شخصیت‌های نمادین نشان داده‌ام و هر مشکل نمادی از مشکل بزرگ در جامعه ماست.



هشتمین جشنواره سراسری طنز سوریه برگزیدگان خود را شناخت

## شبی که بوم و صحنه و پرده نقره‌ای خندیدند

میلاد رفاقتی

آئین پایانی هشتمین جشنواره سراسری طنز سوریه عصر امروز در تالار سوریه حوزه هنری برگزار شد، اجرای این مراسم را علیرضا خمسه هنرمند تئاتر، سینما و تلویزیون بر عهده داشت، که ذکر لطیفه‌ها و خاطراتش در میان اعلام نام اسامی برگزیدگان حال و هوای دیگری به مراسم داد. از دیگر نکات جالب توجه مراسم که خمسه نیز بارها به آن اشاره کرد، برگزیدگانی بود که از تمام استان‌های کشور معرفی و تقدیر شدند و حضور بسیاری از هنرمندان سراسر کشور در این جشن بود.

شهرام شکبیا که یکی از داوران این دوره از جشن بود هم در واکنش به تعداد زیاد بازیگرانی که از شهر قزوین برگزیده بخش‌های مختلف این مراسم شدند گفت: «می‌خواهم بگویم که بسیاری از

اساتید حوزه طنز در استان قزوین زاده و بزرگ شده‌اند. عبیدزاکانی یکی از این مشاهیر است، دهخدا و یا بها الدین خرمشاهی از این خطه برخاستند. اما می‌خوام به نکته دیگری هم اشاره کنم که تا به امروز دوری به این زیبایی که نزدیکی زیادی به حال و هوای جشن داشته باشد ندیده بودم و نشان می‌دهد که دورتور برنامه به درک خوبی از طنز رسیده است.»

ناصر فیض دبیر بخش هنری جشنواره که برای اهدای جوایز بخش اول روی صحنه حاضر شد نیز در سخنان کوتاهی گفت: «از صاحبان قلم و اندیشه تشکر می‌کنم. ادعای ما این است که قصد داریم طنز متفاوتی را ارائه دهیم. امیدوارم کاستی‌های جشنواره را بر ما ببخشید و ضعف‌های ما را به رویمان نیاورید.»

علی نصیریان پیشکسوت تئاتر، سینما و تلویزیون که یکی از اعضای هیات داور این مراسم بود.

در صحبت‌های کوتاهی به نقش برگزاری چنین جشنواره‌هایی در پویایی جوانان اشاره کرد و گفت: «این اقدام اتفاق خوبی است. جامعه ما نیاز به کمدی دارد، منظور این نیست که ما به هر ترتیب و وسیله‌ای مخاطبان را بخندانیم، هدف کمدی خندانند مردم نیست کمدی چارچوبی‌هایی دارد که نقطه ضعف انسانی را بصورت خنده‌آور منعکس می‌کند.» نصیریان ادامه داد: «نکته این است که باید به جوانانی که کار کمدی را آغاز کرده و وارد این عرصه شده‌اند توصیه کنیم که جای گذشته را تکرار کردن چیز مطلوبی نیست، جوانان انرژی و فکر دارند پس باید نواورانه حرکت کنند. فکر می‌کنم تجربه را بازگو کردن خوب نیست چون آن تجربیات برای نسل خودم مناسب است و به درد جوان امروز نمی‌خورد. جوان‌ها باید خودشان تجربه کنند. جوان‌ها خوب کار می‌کنند و کارهایشان قابل تقدیر است.»

## نمایش طنز یا طنز نمایشی؟!

کاوه مهدوی از شرکت کنندگان هشتمین جشنواره طنز سوره برگزار می‌کند. این جشنواره طنز را عامل ایجاد رویکردی تخصصی به تئاتر دانست و معتقد است اجرای عموم آثار جشنواره باعث آشنایی با طنز فاخر می‌گردد. کاوه مهدوی از شرکت کنندگان هشتمین

جشنواره طنز سوره در بخش نمایش، ایجاد بخش نمایش به جشنواره طنز را باعث ایجاد رویکرد تخصصی به اصل هنر تئاتر عنوان کرد و گفت: این نگاه باعث هدفمند شدن گروه‌های تئاتری می‌شود و باید از مسئولان حوزه هنری تشکر کرد که چنین نگاه تخصصی به مقوله طنز دارند که باعث می‌شود عملکرد بهتری در این حوزه تئاتر اتفاق بیفتد و آینده خوبی را رقم بزند. نیاز جامعه به این جشنواره وجود داشته است. از برگزاری این جشنواره هم مردم می‌توانند سود ببرند و هم کارشناسان برداشت علمی خود را داشته باشند و با ادامه این گونه جشنواره‌های تخصصی اتفاقات خوبی رقم خواهد خورد.

## طنز در هنرهای تجسمی

سید محمد رضا طبعی

طنز را می‌توان از جمله کاربردهای اجتماعی هنر دانست. از جهت دیگر نیز می‌توان در این وجه کاربردی، هستی شناختی هنرمند را نیز مورد ارزیابی قرار داد. طنز گاهی بیان فاصله‌ی آنچه هست و آنچه باید باشد را با زبانی هنری بیان می‌کند.

طنز زبان هشیاری است. نگاه ژرف‌نگر است. گاهی در مقام هشدار است و گاهی نیز به منزله یک بیان عمومی. ریشه طنز تصویری را باید در اشتیاق آدمی به صور عجایب جستجو کرد.

همانگونه که امکان دارد سخن دور از معیاری، امکان طنز را در متن ادبی فراهم آورد که مصداق‌های بسیاری از آن را در این سخن می‌توان یافت.

عدول از معیارهای از پیش تعریف شده در هنرهای تجسمی نیز می‌تواند امکان رود و در شکل یا مضمونی طنز آمیز را در هنر فراهم آورد. این درک از هنرهای تجسمی وابسته به ساختار تولید اثر و نیز چگونگی ارائه‌ی اثر دارد.

در یافتن این طنز آمیزی با نوعی از آگاهی تاریخی همراه خواهد بود. حیطه طنز در هنرهای تجسمی گستردگی قابل توجهی را دارد. و رویکردهای گوناگونی را از نگاه‌های رئالیستی تا انتزاعی در برمی‌گیرد.

اگر فرض متن‌گونه‌ی و ساختارش یک اثر تجسمی را پذیرفته باشیم، آنگاه ساختار طنز را در آثار تجسمی بهتر می‌توانیم مورد ارزیابی قرار دهیم و به این سوال پاسخ دهیم که حضور طنز در هنرهای تجسمی چگونه است. از جهتی نیز همان گونه که مخاطبان ادبیات نازل و ادبیات در سطوح بالا هیچ‌گاه یکسان نیستند و نمی‌توانند باشند طبیعتاً در برابر اشارات ادبی واکنش درخور دانش و دیدگاه خود را دارند و طیفی از آنها طنز را در گفتار و نوشتار می‌یابند و برخی نیز به آن واکنشی نشان نمی‌دهند. در هنرهای تجسمی نیز این‌گونه است. آثاری چون «میوه‌ای با تجربه‌ی فراوان» از «ماکس ارنست»، چه در نامگذاری عجیب و چه در استفاده از عناصری نامربوط در کنار یکدیگر، در ایجاد احساس راهی و آزادی سرخوشانه که در هیئت موج اسپاگتی‌واری عرضه شده است.

طنز در هنرهای تجسمی با تمرکز و دانش مخاطب، بیشتر همراه است و گاهی برای دریافت در گام اول نیاز به شناخت اصول ابتدایی هنرهای مورد نظر را دارد. همانگونه که مخاطب ادبی ابتدا کلمات و نحو جاری را می‌شناسد و سپس متوجه شوخی موجود در متن می‌گردد.



سید محمد جواد میر صفی از قم نفرات برگزیده این بخش هستند.

بخش نمایش: کاوه مهدوی از تهران

بخش فیلم کوتاه: رتبه برتر نداشت

### نفرات دوم کلیه بخش‌ها

بخش مقاله: زهرادری از اصفهان

بخش عکس: محمد صادق رضایی از ایلام

بخش نثر: محمد کوه خضری از قم

بخش داستان کوتاه: رضا احسان پور از اصفهان

بخش نمایش: احسان جانمی از اصفهان

بخش فیلم کوتاه: مهدی تنگستانی از بوشهر

### نفرات سوم کلیه بخش‌ها

بخش مقاله: نجمه زارع از یزد

بخش عکس: یوسف اکبری از آذربایجان شرقی

بخش نثر: حامد اسحاقی از یزد

بخش داستان کوتاه: ابراهیم اردلان از تهران

بخش نمایش: سید حسین ساداتی از مازندران

بخش فیلم کوتاه: کوروش عطایی و آزاده موسوی از تهران

### نفرات تقدیر شده در بخش ویژه (الگوی خانواده اسلامی و ایران ۱۴۰۴)

بخش نثر: سنا شایان از تهران

داستان کوتاه (مجموعه اثر): ارزنگ حاتمی از خراسان رضوی

بخش شعر: مجتبی احمدی از کرمان

در این مراسم مستندهای جشنواره پخش شد، برترین مستندی که با استقبال حضار مواجه شده «شکلات نام داشت» که این اثر مورد تقدیر هم قرار گرفت.

داور این جشنواره در ادامه گفت: «در آثار بخش تئاتر تنها یک اثر خلاقانه بود، اما مسئله خلاقیت باید متبلور شود، نگاه‌ها و برداشتهای تازه است و این اتفاق در تئاتر در حال رخ دادن است. جوانان امروز خیلی خوب کار می‌کنند مردم نیز از کار خوب استقبال می‌کنند از این رو آثار خوب دارای مخاطب است.»

نصیریان ادامه داد: «از مدیریت حوزه استعداد دارم کاری را که شروع کرده‌اند مبدل به جریان هنری کنند و محدود به جشنواره طنز نشوند، تئاتر کم‌دی تبدیل به جریان شود و می‌توان در طول سال کارگاه‌ها و کلاس‌های نمایشنامه نویسی و باز-یگری فیلم‌نامه نویسی و... را برگزار کرد و به کسانی که به این حیطه علاقه دارند، آموزش داد. باید حرکتی در این عرصه صورت بگیرد و خوشحالم که حوزه هنری به این نکته توجه کرد و باعث خوشحالی است.»

در این دوره از جشنواره و بر اساس آراء هیات داوران، نفرات برتر به شرح زیر معرفی شدند:

### نفرات اول تمام بخش‌ها

بخش مقاله: سید محمد رضا طبعی از سمنان

بخش عکس: علیرضا رنجبر زیدانلو از خراسان رضوی

بخش نثر: اکبر نیتی از زنجان

بخش شعر: در این بخش و در گروه تک اثر به ترتیب اولویت ۷ شعر شایسته تقدیر شناخته شدند

و جایز مقام اول تا سوم میان آنها تقسیم شد و در بخش مجموعه اثر نیز هیچ یکی از آثار برگزیده شناخته نشد. سید امیر سادات موسوی از همدان، سعید طلائی از همدان، عباس احمدی از قم، محمد نظری ندوشن از یزد، راشد انصاری از هرمزگان، و

علی نصیریان پیشکسوت تئاتر، سینما و تلویزیون که یکی از اعضای هیات داوران این مراسم بود. در صحبت‌های کوتاه‌ای به نقش برگزاری چنین جشنواره‌هایی در پویایی جوانان اشاره کرد و گفت: «این اقدام اتفاق خوبی است. جامعه ما نیاز به کم‌دی دارد، منظور این نیست که ما به هر ترتیب و وسیله‌ای مخاطبان را بخندانیم، هدف کم‌دی خنداندن مردم نیست کم‌دی چارچوبی‌هایی دارد که نقطه ضعف انسانی را به صورت خنده آور منعکس می‌کند.»

چکیده مقاله

طنزهای پر بیننده سیما

سیده عاطفه میر کمال خادم موسوی

سوژه‌های اجتماعی از جمله مخاطبان تلویزیونی متون را با تکیه بر مواضع سوژه‌ای و موقعیت ساختاری خود قلمداد می‌کنند و البته این نیز درست است که در صورت حضور گفتمانه‌های مختلف در دسترس مخاطب، اصل با تعارض گفتمانه‌هاست؛ اما نکته اینجاست که آیا همه افراد به یک نحو به گفتمانه‌های مختلف دسترسی دارند؟ آیا اساساً گفتمانه‌های مختلف در دسترس افراد قرار می‌گیرند تا بر اساس آنها مواضع سوژه‌ای آنها شکل گیرد؟ به عنوان مثال در جامعه ایران به نظر می‌رسد که چنین امکانی برای مخاطبان تلویزیون فراهم نیست. در واقع تلویزیون رسانه‌ای قدرتمند و تقریباً بی‌رقیب در عرصه گفتمانی است. به سادگی می‌توان نشان داد که بخش زیادی از مردم ایران فقط به گفتمانه‌های تلویزیونی دسترسی دارند؛ گفتمانی که عناصر آن در بین این دسته از مردم از طریق رسانه‌های دیگر نظیر مجالس و عطا و مذهبی تقویت می‌شود. بنابراین باید نسبت به این موضوع هوشیار بود که حتی در صورت ابهام و چندگانگی متون تلویزیونی اگر امکان دسترسی‌های گفتمانی شهروندان محدود باشد، باز قرائت یکنواختی از متون تلویزیونی اتفاق می‌افتد که البته مناسب حال صاحبان این رسانه است که در صدد باز تولید هژمونی خود در بین شهروندان هستند.

طنز یکی از ژانرهای روایی است که بخاطر ترمز از قواعد ادبی و اجتماعی، این قواعد را به مصادف طلبیده و امکان قرائت‌های غیر رسمی را پدید می‌آورد و به همین دلیل همواره چه در سنت ادبی ایران و چه در میان رسانه‌های دیداری در حاشیه مانده است. سازمان صدا و سیما نیز به رغم پارادوکس‌های اخلاقی و فرهنگی که پس از انقلاب با آنها روبرو بود، سرانجام تصمیم گرفت که به طنز میدان دهد، و اندکی از سخت‌گیری‌ها بکاهد.

در دهه دوم، سیاست ایجاد فضای شاد در کشور به تشویق تهیه کنندگان، برنامه‌سازان و کارگردانان برای تولید برنامه‌های شاد و طنز آمیز منجر شد. به یکباره گروه‌های مختلف هنری تشویق شدند که از فضای اندوهگین کشور بکاهند و برفضای شادی بی‌فزایند.

سفارش و تهیه برنامه‌های شاد و طنز آمیز از این دوره شروع به رشد کرد. حتی بخش‌های پژوهشی سازمان در صدد برآمدند تا درباره طنز به پژوهش بپردازند و به اصطلاح آن روز به روشن کردن مرز بین مفاهیمی نظیر طنز، شوخی، هزل و لودگی بپردازند. تاکید تا سرحد نگرانی درباره ناروشن بودن مرز لودگی و طنز یکی از دغدغه‌های مدیران شبکه‌های صدا و سیما و تولید کنندگان در سال‌های اخیر بوده است.

بحث و نظر

جایگاه طنز در آثار سینمایی چگونه است؟!

شهرزاد تقوایی کارگردان اثر «شب‌نم» معتقد است: جایگاه طنز در آثار سینمایی کشور ضعیف است. به گزارش پایگاه خبری حوزه هنری، شهرزاد

تقوایی راه یافته مرحله نهایی هشتمین جشنواره طنز سوره در بخش فیلم کوتاه در خصوص ارزیابی طنز در آثار سینمایی کشورمان گفت: جایگاه طنز در آثار سینمایی کشور ضعیف است. وی ادامه داد: فکر می‌کنم در درجه اول همه هنرمندان دچار یک نوع خمودگی شده‌اند. این در مورد خود من هم صدق می‌کند که باعث کم‌کاریم شده است. تقوایی معتقد است فیلمنامه‌نویس و داستان‌نویس طنز باید خلاقیت مضاعف و شور خنده و هیجان داشته باشد تا بتواند این حس را در مخاطب ایجاد کند.

وی درباره بالا رفتن کیفیت طنز در جشنواره‌های مانند طنز سوره تصریح کرد: اگر این جشنواره‌ها مداوم باشند و از هنرمندان حمایت کنند، می‌توانند هنرمندان را به خود معطوف سازند. جشنواره‌هایی بوده‌اند که فقط یک یا دو دوره برگزار شده‌اند و اهمیتی به هنرمند نداده‌اند. تقوایی در پایان با اشاره به دلایل علاقه به ارائه آثار هنری در قالب طنز گفت: طنز در مخاطب تأثیرگذاری است و وقتی می‌توان افراد را شاد کرد این تأثیرگذاری دوچندان می‌شود که در سینمای جهان هم شاهد آن هستیم. اما طنز از نظر بعضی افراد جدی تلقی نمی‌شود چون احساس می‌کنند فکری پشت اثر نیست.

در حلقه رندان ویژه هشتمین جشنواره سراسری طنز سوره برگزار شد

یک بار دگر طنز آمد و شد حسن تو مطلع!

علیرضا میر فخرایی

صد و شانزدهمین مراسم شب شعر طنز «در حلقه رندان» با حال و هوایی دیگر و حضور راه یافتگان به بخش نهایی جشنواره وطن‌پرستان از استان قم و همچنین حضور علیرضا خمسه و علی نصیریان در هشتمین جشنواره سراسری طنز سوره برگزار شد.

بین این هر دو بلاه‌زن، خدایی بهتر است راشد انصاری (خالو راشد) نیز شعر طنزی خواند که بخش‌هایی از آن را در زیر می‌خوانید. شهر خواب آلوده را بیدار می‌خواهد چه کار؟ این همه دار است! استان دار می‌خواهد چه کار؟ رازهای پشت پرده یک به یک شد بر ملا پرده بی‌پرده دار اسرار می‌خواهد چه کار؟ هر خلافی ریشه‌اش خشکانده شد در این دیار شهر ما امن است! پس سر کار می‌خواهد چه کار؟ در ادامه مراسم حجت الاسلام والمسلمین عابدینی از استان قم به روی صحنه آمد. سعید بیابانکی نیز خطاب به حضار به طنز گفت: تا به حال یک روحانی طنزپرداز دیده بودید؟ حاضران در جلسه نیز با این سخن بیابانکی بار دیگر این شاعر روحانی را تشویق کردند.

عابدینی نیز گفت: فکر می‌کنم همین که بر روی صحنه آمدم طنز ایجاد شد. که این سخن طنز آمیز نیز با خنده تماشاگران و تشویق همراه شد. امید مهدی نژاد نیز نقیضه‌ای بر شعر (وه چه شوم و وحشتناک زرد در خزان مردن / سرو بودن و آخر در تنور نان مردن) اسماعیل امینی نیز هم در این مراسم شعری خواند که بخش‌هایی از آن به شرح زیر است. وه چه شوم و وحشتناک: زرت، ناگهان مردن

مرگ نزد شاعران از بی‌نوا بی‌تر است وضع ما از مردم اتیوپیایی بهتر است فقر و وزن هردو بلا هستند در خانه ولی



در میان طیاره، توی آسمان مردن  
 اند بیداری هاست تشنه - گشنه جان دادن  
 لیک بدتر است از آن لقمه در دهان مردن  
 از حاشیه‌های این شب شعر حضور علیرضا خمسه و علی نصیریان در تالار اندیشه بود. این دو هنرمند در خلال دوری نمایش‌های هشتمین جشنواره طنز سوره سری هم به شب شعر «در حلقه رندان» زدند و لحظاتی در کنار شاعران طنزپرداز نشستند و به شعر خوانی‌ها گوش دادند. خمسه در سخنانی کوتاه به حضار وعده داد تا در شب اختتامیه به عنوان مجری مراسم آن‌ها را ببیند.

همچنین سید محمد جواد میر صفی شعری خواند که مورد توجه حضار قرار گرفت و سعید بیابانکی نیز زبان استوار این شاعر را تحسین کرد.

بخش‌هایی از شعر میر صفی را در زیر می‌خوانید:  
 یک بار دگر آمد و شد حسن تو مطلع  
 حسنی که رسیده ست به ته تا خود مقطع  
 چون تشنه که در آن رود از چکه لوله  
 یا بشکه که در آن رود از نشتی منبع  
 مظروف تو گنجایش مظروف مرا ظرف  
 در شعله‌ها غرق شدم نور مشعشع  
 ماییم دو جسمی که چپیدم به یک روح  
 چون لوزی پنهان شده در خیک مربع



## شگردهای طنز ساز

نجمه زارع

صابری طنز نویسی است که به مخاطب بسیار توجه می کند او برای آنکه مخاطب هر روزی «دو کلمه حرف حساب» از شگردها خسته نشود دست به ابداع یا تلفیق شگردهای طنز ساز می زند و در این کار بسیار موفق است.

البته ناگفته نماند با وجود اینکه عنوان این مبحث شگردهای ابداعی صابری است ولی تمام شگردهایی که مطرح می شود ابداع صابری نیست و طنز نویسان قبل از او نیز گاه از این شگردها بهره برده اند؛ به این دلیل که در سبک صابری نمود خاصی دارند ما آنها را ذیل این عنوان آوردیم:

یکی از مجموعه شگردهایی که صابری به کار می گیرد. شگردی است که در اینجا ما نام شگردهای مبتنی بر گفتگو را به آن می دهیم این شگرد یکی از شاخصه های مهم سبک طنز نویسی صابری است. در کل می توان گفت که زیر ساخت طنزهای دو کلمه حرف حساب بر پایه ی گفتگو یا دیالوگ است او به چند طریق فضایی ایجاد می کند که گفتگو شکل بگیرد:

گاه برای ایجاد گفتگو یکی از اصحاب گل آقا روزنامه می خواند و بعد پیرامون مسائل خوانده شده گفتگو و بحث می شود در این روش بیشتر شاهد حاشیه روی گل آقا و اصحابش هستیم که بعداً در موردش بیشتر توضیح می دهیم. صابری بیشتر مایه های طنز را از اخبار و نوشته های روزنامه ها می گیرد. و در بیشتر طنزها خبری از روزنامه یا حتی بریده ای از روزنامه آورده می شود و بعد پیرامون آن خبر شخصیت ها گفتگو کرده و حرف حساب زده می شود.

اساساً شخصیت های دو کلمه حرف حساب همه روزنامه خوان هستند و گاه بریده های روزنامه را برای گل آقا آورده روی میزش می گذارند تا در زدن حرف حساب به او خط بدهند. همچنین گل آقا مطالعه ی بعضی از بخش های روزنامه را به خاطر حساسیتی که برمی انگیزد به ظاهر قدغن می کند؛ چون ضمیمه ی اقتصادی که خواندنش برای اصحاب گل آقا غدغن است. ولی اصحابش به دور از چشم او ضمیمه ی اقتصادی را می خوانند. همین قدغن کردن نوعی شگرد طنز آمیز است برای برجسته کردن مطلب (یکی از دغدغه های اصلی مردم ما مسائل اقتصادی بوده است.) تا خواننده بیشتر بدان توجه کند.

شگرد گفتگو با خود نیز یکی از شگردهایی است که دهخدا نیز فراوان از آن استفاده می کرد. صابری نیز گاه از این شگرد استفاده می کند بدین صورت که مطلبی طنز آمیز را مطرح می کند و در پایان متوجه می شویم که گل آقا یا یک شخصیت دیگر داشته با خود حرف می زده و یک شخصیت دیگر حرفهای او را شنیده که گاه باهم در مورد حرفهای زده شده بحث می کنند و گاهی نیز صحبتی نمی شود.

پیش پا افتاده ترین مسائل را به قالب شعر طنز می برد. چرا که شعر طنز نوعی زیبایی دارد که باعث می شد شاعر تنبلی کند و خود را زیر زیبایی کلامش پنهان کند.

عرب امیری یا تاکید بر این که پس از راه اندازی دفتر طنز، بین شاعران طنزپرداز رقابت ایجاد شد، عنوان کرد: بیشتر رقابت بین شاعران طنزپرداز پس از شروع به کار مراسم شب شعر «در حلقه رندان» شکل گرفت و نمی توان تاثیر این شب شعر را در شاعران انکار کرد. این عوامل باعث شد تا تعداد بسیاری طنزپرداز داشته باشیم و به لحاظ کیفی هم آثار بهتر شدند.

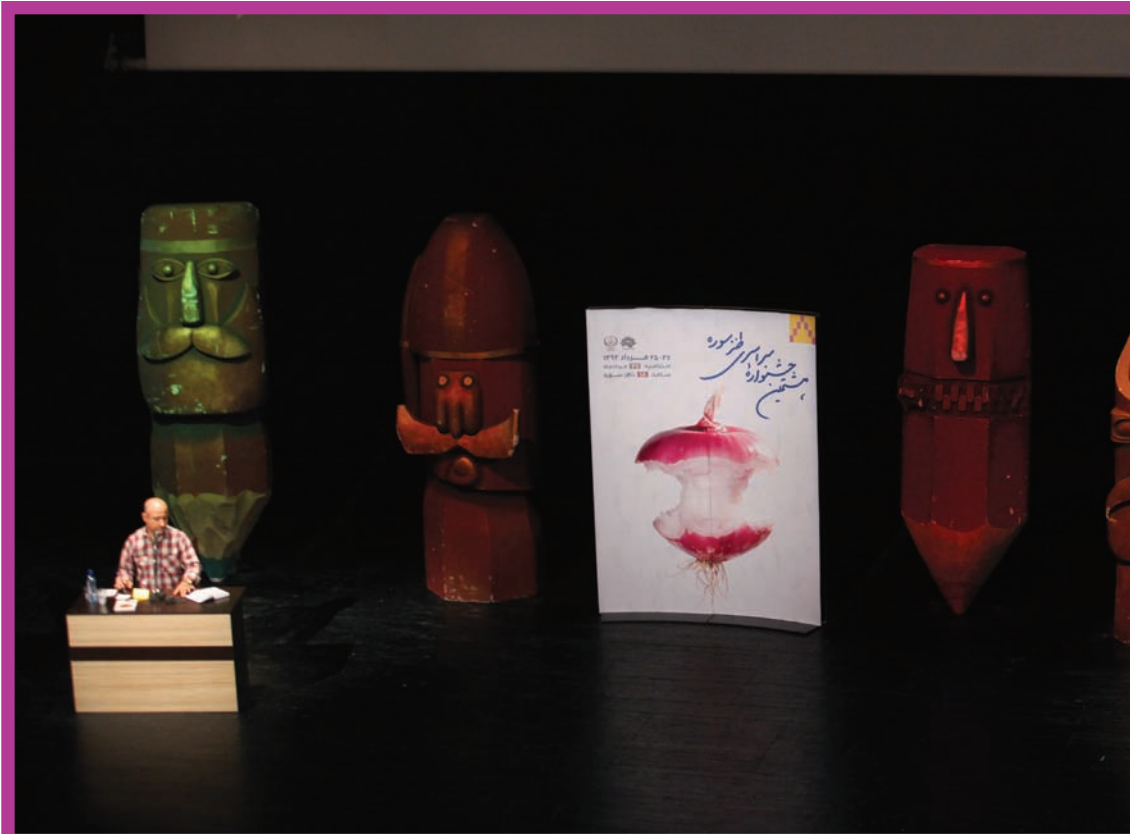
پایگاه خبری حوزه هنری با بیان این که طنز نیاز امروز جامعه است، اظهار کرد: همه در هر جایی که زندگی می کنند نیاز به طنز دارند و به همین دلیل باید به کسانی که در حوزه طنز مکتوب فعالیت می کنند بها داده شود و به نوعی بتوانند بدون دغدغه آثارشان را تولید کنند.

وی تصریح کرد: تحول اساسی در شعر طنز از روزی که ابوالفضل زرویی نصرآباد دفتر طنز حوزه هنری را راه اندازی کرد آغاز شد؛ چرا که پیش از آن در مطبوعات و جاهای دیگر به مسائل روزمره و آن هم از نگاهی سطحی و گذرا به شعر طنز پرداخته می شد و هر کس

## رقابتی که بین طنز پردازان ایجاد شد

نسیم عرب امیری، شاعره و روزنامه نگار طنزپرداز کشورمان، معتقد است تحول اساسی در شعر طنز از روزی که ابوالفضل زرویی نصرآباد دفتر طنز حوزه هنری را راه اندازی کرد، آغاز شد.

نسیم عرب امیری در گفت و گو با خبرنگار



حجت الاسلام محمد عابدینی نیز با بیان این که هر کسی که تنها فکر تولید محتوا باشد و دغدغه ای برای انتقال محتوا به مخاطب نداشته باشد در کارش ناکام می شود. یکی از مهمترین کارهایی که طلبه ها و روحانیت انجام می دهند تبلیغ است. تبلیغ یعنی رساندن محتوای مخاطب و اینجاست که رساندن محتوا به مخاطب اهمیت ویژه ای پیدا می کند. در حال حاضر در جامعه ما با فرهنگ و زبان پیشرفته زبان طنز تاثیر گذار است و به همین دلیل باید به مقوله طنز توجه کرد.

در این مراسم همچنین مصطفی مشایخی، مجتبی احمدی، رقیه ندیری، عباس ثمری، کاوه جوادی، محمد غلامی، مهدی کریمی، کریم موسوی، علیرضا سلامی و افسانه بختیاری نیز با شعر خوانی پرداختند.

بر اساس این گزارش در صد و شانزدهمین مراسم شب شعر «در حلقه رندان» شخصیت هایی همچون محمد حمزه زاده معاون هنری حوزه هنری، علیرضا قزوه مدیر مرکز آفرینش های ادبی حوزه هنری، ناصر فیض مدیر دفتر طنز حوزه هنری، علی قربانی مدیر مرکز محافل و جشنواره های حوزه هنری، علی داودی مدیر دفتر شعر حوزه هنری و بسیاری دیگر از شاعران، نویسندگان و علاقه مندان به طنز حضور داشتند.

میر صفی درباره ضرورت پرداختن به شعر طنز نیز گفت: رسالتی که در فضای حال حاضر جامعه، شعر طنز می تواند ایجاد کند، شعر جدی قادر به انجام آن نیست و طنز می تواند کار ساز تر باشد. جشنواره طنز سوره نیز تریبونی است که حتی می تواند منجر به تولید اثر شود.

فرامرزی ریحان صفت دیگر شاعر طنزپرداز نیز در پاسخ به سوالی مبنی بر ضرورت پرداختن به طنز، گفت: مشکلات و معضلات جامعه که نمی شود آن ها را به صراحت عنوان کرد با زبان شیرین طنز و با لطافتی که دارد بیان می کنیم.

وی افزود: حوزه هنری با کلاس های طنزی که برگزار می کند و جشنواره هایی مانند طنز سوره باعث استعداد یابی می شود.

مهرداد صدقی نویسنده و طنز پرداز با بیان این که تنش ها در زندگی روزمره مردم خیلی زیاد است، اظهار کرد: شاید احساس کرده اند که انبساط خاطر و ایجاد فضای توأم با لطافت و طنز بتواند در کاهش این مسائل اندکی مسهم واقع شود. مردم ما متأسفانه در مصیبت ها و مشکلات رفتار جمعی شان بهتر از زمانی است که می خواهند شاد باشند. البته به نظرم راهکار این مساله از مسیر طنز نمی گذرد. رسالت طنز تنها شاد کردن مردم نیست.

مهر داد صدقی نویسنده و طنز پرداز با بیان این که تنش ها در زندگی روزمره مردم خیلی زیاد است، اظهار کرد: شاید احساس کرده اند که انبساط خاطر و ایجاد فضای توأم با لطافت و طنز بتواند در کاهش این مسائل اندکی مسهم واقع شود. مردم ما متأسفانه در مصیبت ها و مشکلات رفتار جمعی شان بهتر از زمانی است که می خواهند شاد باشند. البته به نظرم راهکار این مساله از مسیر طنز نمی گذرد.

# در ستایش لبخند کودکان

امید مینوی

طنز در ادبیات کودک و نوجوان، از جمله کارگاه‌های آموزشی، هشتمین جشنواره طنز سراسری طنز سوریه بود که با حضور اساتید این حوزه برگزار شد. در ابتدای این کارگاه آموزشی که با شیوه‌ای کاملاً متفاوت برگزار شد، آقای وحدت به همراه دو کودک شیوه‌های آموزشی به کودکان را نشان دادند. او در ابتدا تعریفی از طنز ارائه داد و گفت: «طنز ماهیتی دارد که خطاب به کودک درون انسان‌ها است. طنز کودک شاخه‌ای است که منحصر به شوخ طبعی ارتباط دارد. طنز کودک به نوعی شوخی با جهان اطراف است و در نهایت به چالش انداختن ذهن خیال‌انگیز کودک، روشن کردن بخش خیال‌انگیز ذهن کودک، شکردهایی دارد که قرار است برخی آن‌ها را مرور کنیم.»

گفت: «در حوزه روانشناسی، شوخ طبعی حوزه گسترده‌ای است در حدی که ماهنامه‌ای به نام شوخ طبعی، پژوهش‌هایی مرتبط با شوخ طبعی منتشر می‌کند. انتشار این ماهنامه، یک مشت نمونه خروار است تا متوجه شویم که تا چه حد در این حوزه نیاز به تحقیق و پژوهش است.»

او ادامه داد: «مبحثی که می‌خواهم درباره اش صحبت کنم، طنزی است که یک کودک در طول رشد باید با آن مواجه شود و طنزی است که در مقاطع مختلف رشد کودک نیاز او است. البته باید به این موضوع قائل باشیم که شوخ طبعی یک ماده زبانی است که برای خندیدن نیاز به فهمیدن آن است. باید مطالبی گفته شود که ویژگی‌های خنده دار داشته باشد. یک جمله خنده دار یا بی‌مزه نیست. چیزی که آن را خنده دار می‌کند، سطح فهم مخاطب است.»

بی‌نیاز برای ادامه این مبحث، به نظریه «پیاز» اشاره کرد و گفت: «نظریه‌ای وجود دارد که می‌گوید یک کودک در طول رشد چطور طنزی را می‌فهمد. مرحله اول از سفر تا دو سالگی است که در این سن کودک با ابزارهای حسی و حرکتی در ارتباط است و چیز زیادی در این مرحله نمی‌توان به او آموزش داد و یا واکنش خاصی نسبت به اطرافش ندارد. از سه تا هفت سالگی بچه‌ها وارد مرحله پیش‌عملیاتی می‌شوند. مثلاً نمی‌توانند تشخیص دهند دو گلوله خمیری که به اشکال مختلف درآمده است، حجم خاصی از خمیر را دارند. هفت تا یازده سالگی مرحله دیگری از رشد است که نوجوان به موارد دیگری از المان‌های اطرافش واکنش

وحدت ادامه داد: «شوخی با رفتارها و نگاه ریشخند آمیز به آن‌ها، طنز کلامی که کنایه آمیز و اغراق آمیز، از جمله شوخی‌هایی است که در حوزه طنز کودک جامی گیرد.»

او در ادامه این کارگاه با دو کودکی که توسط آن‌ها برخی مطالب را آموزش می‌داد، به مرور برخی از این نکات پرداخت.

چیستان، پیام بازی با کلمات، که شنونده را به سوی کلمه‌ای خاص هدایت می‌کند، از جمله راهکارهایی است که وحدت در ارتباط با طنز کودک به آن‌ها اشاره کرد.

این پژوهشگر حوزه کودک تاکید کرد که طنز کودک باید در دایره واژگان کودکان نوشته شود و از ادبیات روزمره آن‌ها وام گرفته شود.

او با اشاره به اینکه این روزها در حوزه ادبیات کودک از طنزهایی استفاده می‌شود که در گذشته با آن‌ها روبرو نبودیم، گفت: «تکنولوژی روز از جمله مسائلی است که در گذشته در دسترس بچه‌ها نبوده و این روزها به شکلی در زندگی روزمره آدم‌ها قرار گرفته و در دسترس بچه‌ها است. تبلت، موبایل و... از جمله ابزارهای است که این روزها وارد دنیای کودکان شده است و می‌توان با آنها شوخی کرد و وارد ادبیات طنز کودک شده است و ما طنز نویسندگان باید خودمان را به جای کودکان بگذاریم و از نگاه آن‌ها به اطراف نگاه کنیم.»

در ادامه این نشست سعید بی‌نیاز (روانشناس و نویسنده) درباره گستردگی ادبیات کودک و نوجوان



می‌دهد و در نهایت آخرین مرحله از یازده سالگی به بعد است که می‌تواند در مورد مسائل مختلف استدلال کند و فرمول‌ها یک یا دو مجهولی را حل کند.»

علی زراندوز دیگر کارشناس مبحث آموزش کودکان نیز در همین راستا به معقوله دیگری از ادبیات کودک اشاره کرد و گفت: «آقای صابری یا گل آقا سال‌ها معلم بودند و عمده سال‌های زندگی‌شان را با نوجوان‌ها در ارتباط بودند. او در سال‌هایی که مجله «گل آقا» را منتشر می‌کرد متوجه شد که عملاً به طنز کودکان توجهی نمی‌شود و گاهی ستون‌هایی در این ارتباط نوشته می‌شود. بنابراین ستونی در مجله به نام بچه‌ها سلام منتشر شد و مسئول آن پوپک صابری بود.»

او ادامه داد: «البته این صفحه یکسری افت‌ها هم داشت اما از طرف دیگر کارکردهایی خوبی هم داشت. افت این صفحه این بود که اکثر کسانی که برای این صفحه می‌نوشتند نگاه کودکانه نداشتند و اتفاقات روز را به بچه‌ها نسبت می‌دادند و مثلاً از گرانی و توروم برای بچه‌ها می‌نوشتند و هنوز وارد مرحله‌ای نشده بود که صرفاً برای بچه‌ها مطلبی نوشته شود.»

این پژوهشگر حوزه کودک افزود: «سال‌ها گذشت و این صفحه پخته‌تر شد. مطالب این صفحه توسط کودکان و نوجوانان نوشته شد و مجله‌ای تحت عنوان «بچه‌ها گل آقا» پا گرفت و اولین هفته نامه طنز ویژه کودکان منتشر شد و اتفاق بسیار درخشانی بود. اتفاقی که بعید می‌دانم کسی بتواند دوباره انجامش دهد. به این هم توجه کنید که در سال‌های اوایل دهه ۶۰ طنز نویسی کار ساده‌ای نبود. چه برسد به اینکه در حوزه کودک و نوجوان هم مجله‌ای تخصصی راه اندازی شود.»

او ادامه داد: «زمانی من و گروهی از همکارانم تلاش کردیم تا بحث کارگاه‌های طنز را در مدارس راه بنداریم. اما متأسفانه اوایل، مدارس برگزاری این کارگاه‌ها را بر نمی‌تابیدند و فکر می‌کردند که این کلاس‌ها بهانه‌ای می‌شود تا آنچه‌ها مدیر یا معلم‌ها را به سخره بگیرند و در صورتی که کارکرد این کارگاه‌ها این است که کودکان با روش بهتری بتوانند خواسته‌ها و نیازهایشان را بگویند.»

زراندوز در پایان گفت: «کاری که منصور ضابطیان در برنامه «رادپو هفت» انجام می‌دهد و با کودکان گفت‌وگو می‌کند به همین راحتی نیست. او با کودکان گفت‌وگو می‌کند که روحیه شوخ طبعی دارند و این اتفاق در آن‌ها غریزی است و نگاهشان به جهان طنز آمیز است. بنابراین معقوله طنز در ادبیات کودکان و نوجوانان بسیار جدی و حیاتی است که باید به آن نگاه ویژه‌ای داشت. بچه‌ها از طریق طنز می‌توانند خواسته‌هایشان را بهتر بیان کنند و جهان دیگری است که می‌تواند بچه‌ها را به سمت وسوی دیگری هدایت کند و این وظیفه ما است که این معقوله را جدی بگیریم و سعی کنیم آن را ترویج کنیم.»

تکنولوژی روز از جمله مسائلی است که در گذشته در دسترس بچه‌ها نبوده و این روزها به شکلی در زندگی روزمره آدم‌ها قرار گرفته و در دسترس بچه‌ها است. تبلت، موبایل و... از جمله ابزارهای است که این روزها وارد دنیای کودکان شده است و می‌توان با آنها شوخی کرد و وارد ادبیات طنز کودک شده است و ما طنز نویسندگان باید خودمان را به جای کودکان بگذاریم و از نگاه آن‌ها به اطراف نگاه کنیم. نظریه‌ای وجود دارد که می‌گوید یک کودک در طول رشد چطور طنزی را می‌فهمد. مرحله اول از سفر تا دو سالگی است که در این سن کودک با ابزارهای حسی و حرکتی در ارتباط است و چیز زیادی در این مرحله نمی‌توان به او آموزش داد و یا واکنش خاصی نسبت به اطرافش ندارد.





## ظهور طنز پردازان معاصر

محمد احمدی

سال ۶۳، همه چیز مهیا بود که یک پهلوان دوباره علم طنز را بلند کند و این پهلوان یک گیلابی نه چندان درشت اندام به نام کیومرث صابری فومنی بود.

صابری از دی ماه سال ۶۳ در صفحه سوم روزنامه اطلاعات، ستونش را با عنوان «دو کلمه حرف حساب» و با نام مستعار «گل آقا» علم کرد و با استفاده از حسن اعتمادی که به او وجود داشت، اندک اندک طنزهای اجتماعی و سیاسی جدی تری نوشت.

این ستون، شخصیت‌های ثابتی چون گل آقا، غضنفر، شاغلام، مم صادق و عیال او را در بر گرفته بود که نقش همه را خود صابری بر عهده داشت. با این حال، این ستون از حیث مضمون و قالب بسیار متنوع بود و تسلط گل آقا بر ادبیات و قالب‌های گوناگون طنز در آن به چشم می‌خورد.

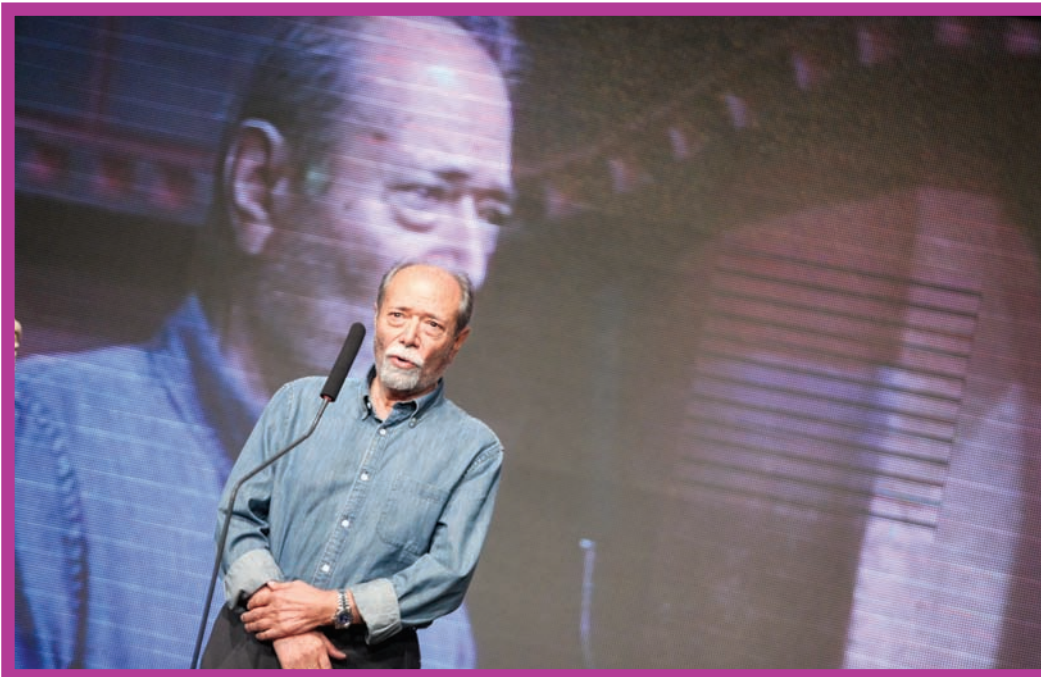
یک سال بعد، یک ضمیمه طنز به همراه مجله کشاورز منتشر شد که نامش «خورجین» بود و با انتشار منظم، اندک اندک مستقل شد. پایه گذار «خورجین» حسین رحیم خانی بود و سمبل آن (منظورم «نماد» است!)، روستایی ساده‌دلی به نام «مشدی رجب» بود که طبعاً درگیر مسائل روستایی خودش بود.

این نشریه طنز، اندک اندک از سطح مسائل تخصصی کشاورزی و روستایی فراتر رفت و به طنز حرفه‌ای نزدیک‌تر شد. برخی از همکاران این مجله، فریدون گل‌افرا، تیمور گرگین، منوچهر پازوکی، مرتضی فرجیان (که از سال ۶۸ سردبیر خورجین بود)، بهروز قطبی، محمد رفیع ضیایی، ابوالقاسم حالت، محمد خرمشاهی، منوچهر جراح‌زاده، ابوالفضل زرویی نصرآباد، محمد پورثانی، سیامک ظریفی و احمد فولادی طرقی بودند که طی سال‌های مختلف به طنز پردازی در خورجین پرداختند.

سال‌های ۶۷ و ۶۸ اوج طنز حرفه‌ای خورجین بود. برخی قالب‌های نو (مثل ستون «چهل سال بعد در همین روز» به قلم حسین هاشمی) در خورجین ابداع شدند که بعداً توسط اشخاص و نشریات دیگر ادامه یافتند.

در این سال‌ها مطالب طنز ماندگاری با مضامین فرهنگی در برخی نشریات منتشر می‌شدند که یکی از بهترین و ماندگارترین آنها به قلم عمران صلاحی و در مجله «دنیای سخن» بود که ابتدا با نام «حالا حکایت ماست» و بعداً با عنوان «حکایت همچنان باقی» چاپ می‌شد.

در مجله «فیلم» و «نگاه‌نو» هم طنزهای حرفه‌ای و خوش ساختی به چاپ می‌رسیدند.



همراه با علی نصیریان

## طنز کاری صرفاً برای خندانان نیست

علی نصیریان که داوری بخش نمایش هشتمین جشنواره طنز سورهرابر عهده دارد معتقد است پرداختن به طنز یک ضرورت است و در این زمینه ذوق مردم از سطح درست و دلخواه پایین آمده است. علی نصیریان، بازیگر پیش کسوت تئاتر، سینما و تلویزیون کشورمان در گفت‌وگو با خبرنگار پایگاه خبری حوزه هنری پرداختن به طنز را یک ضرورت دانست و اظهار کرد: ذوق مردم ما نسبت به مسائل کمیک بال است و با موضوع طنز تطبیق می‌کند و به نظرم خیلی لازم است و در این زمینه کمبود داریم.

تولید شود مردم به سمت نمایش‌های سخیف و مبتذل نمی‌روند، اظهار کرد: کار نمایش صرفاً خندانان مخاطب نیست، البته ساختار نمایش طنز به گونه‌ای است که موقعیت‌های خنده‌آور و کمیک ایجاد می‌کند و در این شکی نیست. این ویژگی را نباید فراموش کرد اما به هر قیمت خندانان مخاطب هم درست نیست.

### طنز چهار چوب و شخصیت دارد

بازیگر فیلم «گاو» با بیان این که طنز چهار چوب و شخصیت دارد، گفت: برخی نمایش‌ها تنها برای خندانان مردم اجرا می‌شود، البته مردم هم توجه می‌کنند و می‌خندند و ممکن است خیلی شب‌ها سالن نمایش پر شود، اما این ارزش نیست. بلکه این گونه نمایش‌ها اتفاقی زودگذر و تفریحی است و ماندگار نیستند.

این بازیگر پیش کسوت با اشاره به این که جوانان هنرجو و علاقه‌مند به هنرهای نمایشی باید بیشتر به فرهنگ طنز در کشورمان توجه کنند، عنوان کرد: جوانان در عرصه نمایش باید به آثاری که دارای جنبه‌های طنز فاخر هستند توجه کنند و کتاب‌هایی که در این زمینه منتشر شده اند را بخوانند.

وی افزود: داریوش مودبیان کتاب‌هایی در زمینه طنز به نگارش در آورده است که هم به لحاظ متن نمایشنامه و هم ساختار طنز در تئاتر قابل توجه است و علاقه‌مندان می‌توانند به این کتاب‌ها رجوع کنند و نمایشنامه‌ها را بخوانند تا بیشتر با این عرصه آشنا شوند. البته کتاب‌های دیگر هم در زمینه طنز در بازار کتاب موجود است و هنرجویان و علاقه‌مندان می‌توانند به این گونه آثار رجوع کنند.

شایان ذکر است علی نصیریان به همراه علیرضا خمسه و رحمت امینی اعضای هیئت داوران بخش نمایش هشتمین جشنواره سراسری طنز سورهر را تشکیل می‌دهند و در روزهای برگزاری این جشنواره، نیز به تماشای اجرای نمایش‌ها نشستند و در نهایت گروه‌های نمایشی را انتخاب کردند.

نصیریان گفت: البته اجرای نمایش طنز بسیار دشوار است. چرا که صحبت از تئاتر است نه یک نوع لودگی و فکاهیاتی که فقط به صرف خندانان، هر کاری در آن مجاز باشد. نمایش طنز و کمدی باید در چهار چوبی تولید شود که رعایت زیبایی شناسی، زبان، شخصیت پردازی در آن لحاظ شده باشد. آنچه که یک درام نیاز دارد یک نمایش کمدی و طنز هم نیاز دارد و یک اثر تئاتری اگر در چهار چوب طنز اجرا شود بسیار ارزشمند است.

### طنز کاری صرفاً برای خندانان نیست

این بازیگر پیش کسوت کشورمان با بیان این که اتفاقاتی که در طول سال‌های اخیر در عرصه فرهنگ و هنر رخ داده است ذوق مردم را از سطح درست و دلخواه پایین آورده، عنوان کرد: این پایین آمدن ذوق مردم نسبت به طنز اتفاق مطلوبی نیست. اگر اثر درست و خوبی وجود نداشته باشد مردم جذب آثاری می‌شوند که شرایط لازم تئاتر کمدی را ندارند و فقط با لودگی یا اعمال و کارهایی صرفاً برای خندانان مخاطب را جذب می‌کنند؛ در حالی که طنز کاری صرفاً برای خندانان نیست. در طنز معنا، اندیشه و تفکر وجود دارد و همان طور که تأکید کردم مانند یک چهار چوب اثر درام، کاراکتر، شخصیت، موضوع و تم دارد.

### طنز خوب، می‌تواند از آثار تراژیک تأثیر گذار تر باشد

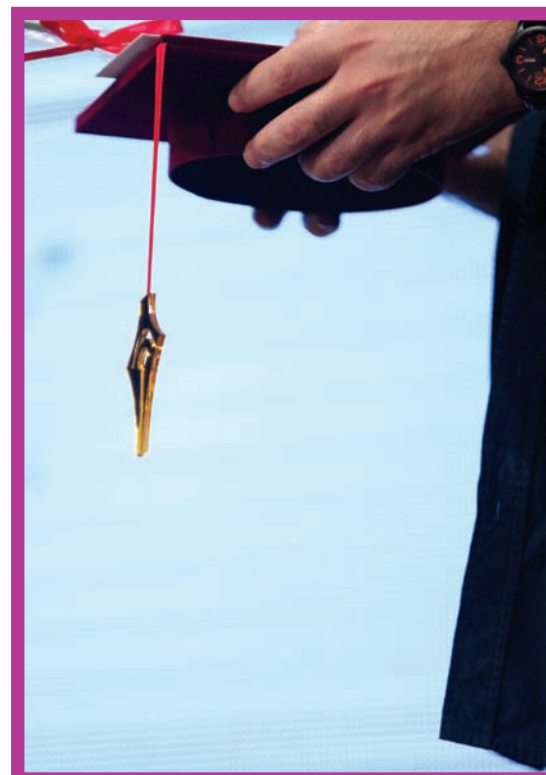
نصیریان خاطر نشان کرد: اگر اثر فاخری در زمینه طنز ساخته شود مردم به آن توجه می‌کنند و ذوقشان به آن سمت و سو کشیده می‌شود اما اگر چنین آثاری تولید نشود و مراکز و نهادهای هنری از چنین فعالیت‌هایی حمایت نکنند، مردم به سمت و سویی می‌روند که جنبه فرهنگی، هنری و ارزشی و تفکری طنز را نداشته باشد. در حالی که طنز خوب، حتی می‌تواند از برخی آثار تراژیک هم تأثیر گذار تر باشد.

وی با تأکید دوباره بر این که اگر آثار خوب در حوزه طنز

اگر اثر فاخری در زمینه طنز ساخته شود مردم به آن توجه می‌کنند و ذوقشان به آن سمت و سو کشیده می‌شود اما اگر چنین آثاری تولید نشود و مراکز و نهادهای هنری از چنین فعالیت‌هایی حمایت نکنند، مردم به سمت و سویی می‌روند که جنبه فرهنگی، هنری و ارزشی و تفکری طنز را نداشته باشد. در حالی که طنز خوب، حتی می‌تواند از برخی آثار تراژیک هم تأثیر گذار تر باشد







# وقتی تراژدی کار کردش راز دست می دهد



علی مهدوی

در حاشیه برگزاری هشتمین جشنواره سراسری طنز سوره، کارگاه نمایشی با حضور کوروش نریمانی نویسنده و کارگردان تئاتر و تلویزیون در سالن اندیشه حوزه هنری برگزار شد.

نریمانی در ابتدای این نشست تعریفی از موقعیت در نمایش ارائه داد و گفت: موقعیت در آثار کمدی و تراژدی به وضعیتی گفته می شود که شخصیت ها در آن گرفتار می شوند و باعث می شود تا تماشاگر نگران آن ها و یا نگران ادامه ماجرا شود و همین اتفاق داستان را جذاب می کند.

نریمانی گفت: مثلاً فرض کنید موقعیتی پیش می آید که من اشتباه اینجا آمده باشم و به جای شخص دیگری که قرار بوده این نشست را برگزار کند نشسته باشم و یا شخصی به خواستگاری می رود و بعد از چند دقیقه متوجه می شود اشتباهی آمده و مجبور است که آنجا را ترک کند و کارهایی که او برای خلاصی از این ماجرا انجام می دهد موقعیت هایی را خلق می کند. چنین موقعیتی است که داستان را برای شما جذاب می کند. همان طور که گفتم موقعیت در کمدی و تراژدی وجود دارد. اما ویژگی های متفاوتی دارند. اصولاً برداشت ما از طنز و کمدی برداشت سطحی است و خیلی عمیق به آن توجه نمی کنیم در صورتی که این گونه نیاز به درک و برداشت بیشتری دارد.

این نویسنده و کارگردان تئاتر ادامه داد: نمایش کمدی چه در کارگردانی، چه در نویسندگی و چه در بازیگری بسیار سخت تر از نمایش های تراژیک و ملودرام است. اما نکته ای که حائز اهمیت است، این است که امروزه در تمام کشورها که صاحب تئاتر هستند، حتی تراژدی های شکسپیر را با لحن و فضا کمیک، روی صحنه می برند و این ماجرا علت مختلفی دارد که می توان درباره آن ساعت ها صحبت کرد.

نریمانی با اشاره به ویژگی های آثار طنز گفت: از قرن بیستم به بعد، بهترین کارگردان های جهان و نمایش نویسان معاصر، مضامین بسیار تلخ را در غالب طنز و کمدی ارائه می کنند، یکی از دلایل هم این است که تراژدی زمانی تزکیه نفس بود و تماشاگر، داستان قهرمانی را دنبال می کرد که همه چیز داشت، جز یک نقطه ضعف کوچک. مثلاً هملت یک قهرمان

همه چیز تمام است و همه چیز دارد، به جز یک لغزش و تردید و یا هملت که همگی با داستان زندگی اش آشنا هستیم.

وی ادامه داد: زمانی که آثار تراژیک روی صحنه می رفت با تمهیداتی که کارگردان در صحنه می اندیشید. مثل روشن کردن آتش و اتفاقاتی از این قبیل، تماشاگر به معنی واقعی دچار وهم و دلهره می شد و حتی برای قهرمان داستان گریه می کرد. اما این روزها دیگر با این اتفاق روبرو نمی شیم. چرا که هر روز، روزنامه ها، رادیو، تلویزیون، اینترنت و... ما را با تلخ ترین و وحشتناک ترین حقایق روبرو می کند و مردم این روزها در سراسر دنیا با فجایع روبرو می شوند و می توان گفت، تراژدی کار کردش راز دست داده است و مثل سابق نمی توان به آن نگاه کرد.

نریمانی با اشاره به تفاوت های تراژدی و کمدی گفت: قهرمان در تراژدی در موضع برتر قرار می گیرد و تماشاگر در مقام فروتر. این اتفاق در کمدی دقیقاً برعکس است و این تماشاچی است که در موضع برتر قرار می گیرد. وقتی در کمدی چنین اتفاقی می افتد، قطعاً تماشاگر راحت تر فکر می کند و برای شخصیت ها تصمیم می گیرد و یکی از خوبی های موقعیت تماشاگر در کمدی این است که راحت می اندیشد، فکر می کند و قضاوت می کند. مثلاً وقتی فیلمی از چارلی چاپلین می بینید، با این که می دانید او در کارش نابغه است اما به رفتار و حرکاتش می خندید و شما در موضعی بالاتر از او قرار گرفته اید. در دنیای امروز، تردیدی نیست که نمی توان جلوی اتفاقات تلخ را گرفت و خبرهای تلخ را نشنید. اما طنز مثل کپسولی است که این اتفاقات تلخ را با لایه ای پوشانده است و نمی گذارد در وهله اول این تلخی به مخاطب منتقل شود، اما تأثیرش را بر مخاطبش می گذارد و به این دلیل است که در دنیای امروز، لحن بسیاری از آثار تراژدی به کمدی تغییر کرده است و این گونه به مخاطب منتقل می شود.

وی ادامه داد: کمدی وابستگی شدیدی به اندیشه و تفکر دارد. البته باید این نکته را باید همیشه در نظر داشته باشیم که هر کسی نمی تواند کار کمدی انجام دهد. مثلاً بازیگری که کار کمدی انجام می دهد، به راحتی می تواند تراژدی بازی کند و اگر در ذهنش بازیگران سینما، تئاتر و تلویزیون کشورمان را مرور کنید، حرف مرا تصدیق می کنید.

نریمانی با اشاره به جایگاه رئالیسم در نمایش گفت: همه

می دانیم که حقیقت با واقعیت متفاوت است. مثالش هم همان داستان مولانا است که بعد از شکستن آینه هر کس برداشت خودش را از تصویری که خود در آینه می دید با آن چیزی که آینه از دیگری نشان می داد متفاوت است. رئالیسم به مخاطب می گوید که این واقعیت است.

وی در ادامه صحبت هایش با برشمردن مثال ها و نمونه هایی که از گذشته تا کنون برای شکل گیری موقعیت های کمدی نوشته و اجرا شده است، گفت: مثال هایی که در ادامه به آنها اشاره می کنم، مواردی است که برای نگارش یا کارگردان و یا بازیگر وجود دارد و یا این که به تجربه به آن ها رسیده ام و در کارم استفاده می کنم. تضادها، تشابه و وارونگی، مسائلی است که به خلق موقعیت های کمدی کمک می کند. مثل زمان هایی که یک دزد و پلیس را رد کاری تصویر می کنیم و موقعیت آن ها را نسبت به هم نشان می دهیم.

نریمانی ادامه داد: کارهای کمدی وابستگی بسیار زیادی به پرداخت موضوع دارند. هنر نمایشنامه نویس و کارگردان یا بازیگر در پرداخت ماجرا است. نکته دومی که می تواند باعث خلق یک اتفاق کمدی شود، آدم هایی است که ناخواسته کنار هم قرار می گیرند. مثل یک دزد و فیلسوف. همین مثال می تواند بهتر تفاوت های میان کمدی و تراژدی را مشخص کند. در تراژدی نمی توان از زبان یک دزد، برای کارش منطق آورد اما کمدی می تواند این اتفاق را باعث شود.

وی ادامه داد: بازیگر موفق کمدی کسی است که جدیت و موقعیت را بازی کند. چک تعریف نکند یا به زور مخاطبش را نخواند و این هنر نمایشنامه نویس است که موقعیتی خلق کند تا بازیگر خوب موقعیت را بازی کند. موقعیت بعد برای خلق صحنه های کمدی زمانی است که آدم ها به اجبار باید خودشان را جای دیگری جا بزنند. مثل موقعیت هایی که در فیلم «بعضی ها داغشو دوست دارند» اتفاق افتاد و ناخودآگاه هر کس که این فیلم را می بیند با دیدن دو شخصیت فیلم که خودشان را به جای دیگران جا زده بودند، به خنده می افتد. نریمانی افزود: آدم های خنده گر و باهوشی که با مهارت نقشه ای می کشند که امکاناتی صاحب شوند، اما بر اثر اشتباه خودشان در تله می افتند هم دیگر موقعیتی است که مخاطب را می خندانند و یا این که در بدترین موقعیت یک اتفاق غیر منتظره بیفتد هم موقعیت کمدی جالبی است.

قهرمان در تراژدی در موضع برتر قرار می گیرد و تماشاگر در مقام فروتر. این اتفاق در کمدی دقیقاً برعکس است و این تماشاچی است که در موضع برتر قرار می گیرد. وقتی در کمدی چنین اتفاقی می افتد، قطعاً تماشاگر راحت تر فکر می کند.

# آنچه که طنز را از غیر طنز جدامی کند

## طنز مطبوعاتی جدی

علی محمدی

سال ۶۹ اتفاق بسیار مهمی در عرصه طنز مطبوعاتی ایران افتاد و آن انتشار هفته‌نامه «گل آقا» بود.

این هفته‌نامه را کیومرث صابری فومنی با کمک گرفتن از طنزنویسان قدیمی (که عمدتاً با او در «توفیق» همکار بودند) و طنزنویسان جوان منتشر کرد و از همان شماره اول مورد استقبال وسیع مردم قرار گرفت.

گل آقا بسیاری از مرزها - که تا آن زمان خط قرمز محسوب می‌شدند - را پشت سر گذاشت و از شماره اول با کاریکاتوری از یک وزیر که روی جلد آن بود این را اعلام کرد. استفاده از طنزهای سیاسی جسورانه به همراه قالب‌های نوینی که در این نشریه آزموده و ارائه می‌شدند و نیز صفحه‌آرایی مناسب و رعایت مسائل تکنیکی، گل آقا را به سرعت به یکی از بهترین مجلات طنز تاریخ مطبوعات ایران بدل کرد و بسیاری از کاریکاتوربست‌ها و طنزنویسان جوان در مکتب گل آقا پرورده شدند.

با پایداری گل آقا، بسیاری از طنزپردازان سایر نشریات نیز جذب آن شدند و کاریکاتورها و نوشته‌های طنز ماندگاری در گل آقا منتشر شد.

پرویز شاپور، سیامک ظریفی، ابوالقاسم حالت، محمد خرمشاهی، محمدعلی گویا، ابوالفضل زرویی نصرآباد، حسین گلستانی، شهرام شهیدی، پرویز روحبخش، محمدعلی گویا، مرتضی فرجیان، پاکشیر، منوچهر احترامی، مسعود کیمیگر، محمد پورنانی، علی اکبر قاضی‌زاده، رویا صدر، بهروز قطبی، بزرگمهر حسین‌پور، کامبیز درم‌بخش و محمد رفیع ضیایی تعدادی از طنزپردازانی هستند که با گل آقا همکاری کردند.

یک سال بعد، ماهنامه گل آقا با سردبیری ابوالفضل زرویی نصرآباد به دنیا آمد که در آن - در مقایسه با هفته‌نامه - به طنزهای عمیق‌تری پرداخته می‌شد و از انتهای همان سال، سالنامه گل آقا هم منتشر شد که در آن، طنزهای خیلی عمیق‌تر! یا مقالات و گفت‌وگوهای درباره طنز به چاپ می‌رسید.

اما در همان سال انتشار اولین هفته‌نامه گل آقا، یک نشریه طنز دیگر هم متولد شد که آن اوایل اسم نداشت و هر شماره‌اش ویژه موضوعی بود.

این مجله را جواد عزیززاده درمی‌آورد و بیشتر ورزشی بود، هر چند که درباره نظریه نسبیت اینشتین هم در هر شماره آن مطلبی منتشر می‌شد! بعد از چند شماره، نام این مجله شد «طنز و کاریکاتور» و کسانی چون جمشید عظیمی‌نژاد، اسماعیل آتشی و مازیار نصری در آن می‌نوشتند. مخاطب طنز و کاریکاتور بیشتر جوانان و نوجوانان بودند.



آفرین اما منظورمان این است که خرابکاری کردی. غالباً در طنز دلالت بر تضاد است.» این پژوهشگر افزود: «ارتباط بین نشانه‌ها و معنا اساسی‌ترین چیزی است که طنز را از غیر طنز جدا می‌کند.»

امینی به نکته‌ای در ارتباط با طنز نویسی اشاره کرد و آن موضع طنز نویس در آثارش است. او گفت: «فرقی که میان زبان طنز و شعر هست، این است که در زبان طنز عاطفه نداریم یعنی به عنوان مولف موضع عاطفی نداریم و انگار از زاویه نگاه یک ناظر بیرونی به اتفاقات نگاه می‌کنیم. طنز پرداز چون از بیرون به اتفاقات نگاه می‌کند به نظر باید از تاثیرات عاطفی دور باشد. نکته دیگری را هم باید در نظر داشته باشید که چه در شعر و چه در نثر، اگر طنز می‌نویسیم هیچ مجوزی برای این نیست که زبان را دست کم بگیریم.»

این طنزنویس ادامه داد: «اگر به دنبال الگویی برای نوشتن هستید، این را در نظر داشته باشید که به هیچ وجه از شخص خاصی الگو برداری نکنید. طنز قابلیت‌های بسیاری دارد. تنها روشی است که می‌تواند با بسیاری از اتفاقات شوخی کرد. مثل این که می‌توانید یک متن بسیار جدی را به گونه‌ای به طنز تغییر دهید که همه چیز شکل دیگری به خودش بگیرد. فکر کنید که مثلاً با یک سند ازدواج تا چه حد می‌توان شوخی کرد و مفادش را به طنز تغییر داد.»

او با اشاره به عناصر طنز افزود: «اندیشه، خنده، تضاد، بیان، حریم و انتقاد عناصری هستند که در طنز نویسی رعایت می‌شوند. مقصود از بیان، ظرافت‌های زبانی است و نکته‌ای که در ارتباط با حریم وجود دارد این است که این حریم دو گونه است. «حریم بر ساخته» و «حریم بنیادین». برخی حریم‌ها حقیقتاً بنیادین است و نمی‌توان با آن‌ها شوخی کرد. مثل این که در یک جلسه دفاع از پایان‌نامه با یک دو بنده کشتی حاضر شوید! در این صورت شما حریم آن مکان را به هم ریختید. در طنز نویسی باید به این مسائل دقت زیادی کرد و نکاتی که در این جلسه به آن‌ها اشاره کرد را در نظر گرفت.»

اسناد حقوقی استفاده می‌شود، برای درس آشپزی استفاده کند. همین اتفاق به خودی خود، طنزی به وجود می‌آورد که به دلیل غیر معمول بودنش باعث خنده می‌شود.»

او با تأکید بر اشاراتی که طنز پردازان در نوشته‌های‌شان در نظر می‌گیرند، گفت: «غالباً طنز پردازان زبان استعاری را برای نوشته‌های‌شان در نظر می‌گیرند. نویسندگانی که برای مطبوعات مطلب طنز می‌نویسند در وهله اول با اشاره به وقایع روز مطالبشان را تنظیم می‌کنند و این یکی از لازمه‌های کار آن‌ها است. مثل سقوط هواپیما که طی چند روز گذشته اتفاق افتاد و مثال‌هایی از این دست.»

امینی افزود: «نویسندگان اهداف مختلفی را برای نگارش مطلب طنز در نظر می‌گیرند. یکی از این اهداف به اصطلاح ضایع کردن دیگران است و اکثر کسانی که طنز می‌نویسند غالباً از این جا کارشان را آغاز کرده‌اند. با این‌که این کار غیر اخلاقی به نظر می‌رسد اما هدف خوبی است. نویسندگان هوشمند معمولاً در این شیوه، از افراد فراتر می‌روند و اتفاقاتی که در پس سوژه پیش رو هست را در نظر می‌گیرند. مثل دیدن راننده تاکسی که با بد خلقی یا مسافرانش رفتار می‌کند اما این بد خلقی فقط تقصیر راننده تاکسی نیست. باید دید چه عواملی باعث شده که او این رفتار را با اطرافیان داشته باشد، گران شدن بنزین و مسائلی از این دست.»

او ادامه داد: «اگر طنز پرداز صاحب اندیشه باشد از معلول‌ها به علت‌ها می‌رسد و این اتفاقی است که در کار اکثر طنز پردازان طراز اول می‌بینیم.»

امینی با این پرسش که زبان طنز تا چه حد با زبان معمول فرقی دارد؟ صحبت‌هایش را ادامه داد. او گفت: «طنز پرداز غالباً نظرش را با مضامین یادآوری می‌کند. این که چه چیزی درد است و چه چیزی نیست؟ آن چیزی که طنز را از غیر طنز جدا می‌کند شیوه دلالت است. دلالت یعنی ارتباط بین نشانه و مفهوم. دلالت چه در شعر و چه در نثر و کلمات بیشتر مستقیم است. اما در زبان طنز دلالت کمی سیال است. مثل این که به کسی می‌گوییم،

علی مهدوی

برگزاری کارگاه نثر از جمله نشست‌های روز سوم، هشتمین جشنواره سراسری طنز سوره بود که با حضور اسماعیل امینی (منتقد و طنز پرداز) برگزار شد. امینی کارگاه آموزشی خود را با تغییر نام کارگاه از نثر به طنز آغاز کرد و گفت: «به نظر من فرقی بین زبان طنز و نثر در طنز نویسی نیست. دلایل متعددی هم دارد، یک دلیلش این است که آن چیزی که به عنوان شعر طنز مشهور است در واقع متونی است که در آن طنز دیده می‌شود و در آن امکانات شعری هم استفاده می‌شود.»

او ادامه داد: «گاهی دیده می‌شود که در متون شعری از طنز به عنوان یکی از ابزارهای بلاغت استفاده شده، مثل شعرهای عطار و چیزی که به عنوان شعر طنز می‌شناسیم، درصد کمی از شعریت در آن دیده می‌شود.»

امینی افزود: «زبان گفتار و زبان نوشتار، هر دو در کار طنز لحاظ می‌شود و نمی‌توان گفت کدامیک نسبت به دیگری برتر است و اولویت دارد. نثری که در مکالمات روزمره و یا نوشتار قشرهای مختلف رد و بدل می‌شود با یکدیگر متفاوت است. مثل این که قطعاً زبانی که ما در مکالمه با دوستانمان استفاده می‌کنیم را نمی‌توانیم در نامه‌های اداری هم به کار ببریم. اما هر دو ابزار زبان گفتار و نوشتار لازمه طنز نویسی است و می‌توان استفاده‌های خوبی از این ابزارها کرد.»

او با اشاره به تجربه‌اش در طنز نویسی و تعریفی که از طنز نویسی وجود دارد، گفت: «چیزی که می‌گویم نظریه علمی نیست و تجربه‌ای است که با شما در میان می‌گذارم. تعریفی که من از طنز نویسی دارم این است که هر جا نظام و یا سیستمی به هم ریختگی داشته باشد، می‌تواند طنز به وجود بیاید و نظر دیگران را به این به هم ریختگی جلب کرد. یکی از اختیاراتی که طنز نویس به آن دسترسی دارد، این است که این نظام زبانی را میان طبقات مختلف زبانی کنار هم قرار بدهد. مثل این که از زبانی که برای تنظیم



به بهانه نمایش «متل» در تالار مهر

## همه چیز از یک خواسته کوچک شروع شد!

علی هدایتی

نمایش «متل» نوشته و کار کاوه مهدوی، نمایشی کمدی با تکیه بر یک متل قدیمی است که معضلات امروزی جامعه را یک لایه طنز به مخاطبش نشان می‌دهد. نمایش «متل» که از تهران در هشتمین جشنواره طنز سوره در بخش نمایش‌های طنز شرکت کرده است، کمدی را به تماشاگر عرضه می‌کند که تا به حال کمتر دیده شده است، نمایشی کمدی که با تکیه بر خلاقیت بازیگران در ایفای چندین نقش، بهره‌گیری از گریم زنده در صحنه و لباس‌های متفاوت، به موضوع رسوه و جایگاه ناعادلانه افراد در جامعه می‌پردازد.

کند موسیقی نمایش «متل» با بهره‌گیری از دو ساز سه‌تار و یک ساز کوبه‌ای سنتی ایرانی به همراهی یک گیتار بیس، که از آلات موسیقی خارجی محسوب می‌شود، یک موسیقی تلفیقی را ایجاد کنند که مضاف بر این که با فضای نمایش متناسب بود، رنگی از موسیقی را به طیف‌های مختلف مخاطبان ارائه دهد و بتواند تمامی ذائقه‌های مخاطبان را پاسخگو باشد.

پرداختن به یک موضوع امروزی که گریبان‌گیر جامعه است آن هم با زبانی طنز و کمدی، می‌تواند نقطه‌شروعی باشد که در قالبی مناسب سخنان طرح شود که گریبان‌گیر بسیاری از افراد در جامعه است و بدون آن که شخص خاصی را مورد هدف قرار دهد به اصل ماجرا بپردازد و لحظه‌ای مخاطب خود را به این فکر فروبرد که نکند او نیز در آن بچرخد. گیر افتاده است و باید تا به ابد در آن بچرخد. کمدی نمایش «متل»، از شیوه ارتباطی بهره می‌برد که سخیف نیست اما حتی قشر‌های عام جامعه نیز می‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند و درد مشترک نمایش را به خوبی درک کنند. نمایش «متل» خواستگاهی شده است تا مشکلاتی طرح شود که نیاز فوری به حل آن در جامعه به شدت احساس می‌شود.

کارگردان نمایش با بهره‌گیری از متل (علف دادم به بز، بز می‌شیر داد، شیر دادم به بقال، بقال به من ...) به چرخه معیوب «رسوه» گیری در جامعه می‌پردازد، در نقطه‌ای که پیرمردی می‌خواهد بارشوه پسر بی‌استعدادش را راهی تیم‌های بزرگ فوتبال کند و در مقابل همان پیرمرد، مدرک دانشجویی به برادر دلال فوتبال بدهد، در گام بعد، فردی که مدرک دانشجویی را دریافت کرده بود، قرار شد تا پیرزنی را به عنوان فرار مغزها به طور کاملاً قانونی! از کشور خارج کند، و این چرخه معیوب تا به زندان افتادن یک کودک ادامه پیدا می‌کند.

استفاده از یک چهره پرداز در صحنه و گریم زنده بازیگران، کمک‌شایانی به روند نمایش و تعویض نقش‌های بازیگران کرد، از آنجایی که در هر موقعیت، بازیگر باید نقش متفاوت را ایفا کند، گریم زنده علاوه بر کمک به حفظ ریتم نمایش، موقعیتی نمایشی به آن اضافه می‌کند، حتی ارتباط چهره پرداز با بازیگران، خود یک بازی در بازی در نمایش است و خود موقعیتی کمدی ایجاد می‌کند، در حالی که محل اتفاقات نمایش نیز یک میز گریم است.

نمایشی با خصلت‌های نمایشی «متل»، به خوبی می‌تواند علاوه بر بار معنایی، تکنیک‌های مناسبی را به فضای تئاتر اضافه



درباره «دوران خوش بازنشستگی»

## در حال و هوای دوران بازنشستگی

عباس قاسمی

«دوران خوش ازنشستگی» نمایش کمدی است که علیرغم پتانسیل‌های خوب خود نتوانسته است به اهداف اصلی متن دست پیدا کند. نمایش «دوران خوش بازنشستگی» که از استان اصفهان در هشتمین جشنواره طنز سوره شرکت کرده است، نمایشی را به معرض دید عموم می‌گذارد که از یک تم اصلی قوی و نمایان تفکر بهره می‌برد، متنی که با پرداختن به آرزوهای جمشید حشمتی، کارمند ساده‌ای که اینک در آخرین روزهای فعالیت کاری‌اش قرار دارد و می‌خواهد با خرید بلیت سفر به اروپا هم همسرش پری را خوشحال کند و هم به آرزوی خود جامعه عمل ببوشاند ما روبرو می‌کند، آرزویی که تمام پس‌انداز او را در آستانه تولد نوه دختری‌اش و بازگشت پسر سر‌باز و بی‌کارش به خانه، به عدد صفر نزدیک می‌کند و او را در یک دوراهی سخت می‌گذارد.

می‌کند، خلاقیتی برای تغییر نقش خود انجام نداده بود و اگر مخاطبی، هر چند به طور اتفاقی، نمایش «دوران خوش بازنشستگی» را ببیند، با توجه به این که نام شخصیت نمایش روز قبل نیز «پری» بوده است و نقش همسرانش در هر دو نمایش به عهده یک بازیگر بوده است، گویی با یک نمایش دنباله‌دار مواجه است و پری را در موقعیت دراماتیک دیگری ملاقات می‌کند! بازی‌های تمامی بازیگران این نمایش که تلاش کرده‌اند با سنت رئالیسم خود، حقیقتی را به مخاطب خود ارائه دهند، گاه دچار غلوهایی می‌شود و مسیر اصلی نمایش را منحرف می‌کند.

فارغ از تمامی مسایل مطرح شده، حضور یلدا، از بستگان همسایه بالایی جمشید، که اینک در سفر است، نتوانسته است به روند دراماتیک نمایش کمک کند و گاه باعث شکست سیر روند داستانی نمایش هم می‌شود، هر چند یلدا باید باعث ایجاد «تجلی» در جمشید شود و او را به فکر وادارد تا در تصمیم هایش تجدید نظری انجام دهد. نمایش «دوران خوش بازنشستگی» می‌توانست با ترکیب بندی بهتر در صحنه‌های رویای جمشید و حذف برخی لحظات ملال‌آورش به اهداف متن نزدیک‌تر شود.

نمایش با حضور جمشید در آژانس هواپیمایی آغاز می‌شود و دختری که به عنوان مسئول تورهای پرواز خارجی شوع به بازاریابی فروش بلیت‌های خود می‌کند، این دختر که در طول نمایش حتی در خواب‌های جمشید نیز حضور پیدا می‌کند، نماد رویا و وسوسه‌های جمشید است و اوست که جمشید را ترغیب می‌کند حتی گاه با همسرش مخالفت کند و او را مجاب کند که این سفر آرزوی و حق طبیعی او بعد از سی و چند سال کار کردن است.

کارگردان اثر می‌توانست با دقت بیشتری که در نوآوری‌های صحنه‌ای‌اش به خرج می‌دهد، صحنه‌های منظم‌تری را به تماشاگر خود نشان دهد، جایی که گاه صدای صدلی چرخ دار که به منظور گردش به دور یک بازیگر در نظر گرفته شده بود، کمی مخاطب را آزار می‌داد. تعویض صحنه‌های اثر نمایشی علیرغم این که به نسبت بسیاری از آثار نمایشی دیگر با سرعت و دقت مناسبی انجام می‌شد، می‌توانست حتی انجام‌نگیرد و تعویض‌ها با چرخش و تغییر میزان تابش نورهای صحنه اتفاق بیفتد تا این گونه ریتم نمایش دچار افت و خیزهای غیر منطقی نشود. بازیگر نقش پری که در نمایش روز گذشته نیز نقش یک همسر میانسال و خانه‌دار را ایفا



چند خط درباره نمایش «اندرونی»

## جشن پیتزا خوران در دربار ناصرالدین شاه!

ماهان آقاچانی

نمایش «اندرونی» کمدی آیینی سنتی است که با قدم گذاشتن به اندرونی ناصرالدین در سال‌های حکومتش ما را با موقعیتی کمدی درباره رفتارهای زنان دربار مواجه می‌کند. نمایش «اندرونی» به نویسندگی و کارگردانی مهدی معماری که از تهران در هشتمین جشنواره طنز سوره در بخش نمایش‌های طنز شرکت کرده بود، توانست با تکیه بر عناصر نمایش‌های سنتی، بخشی از دربار قاجار را به تصویر بکشد که شاید کم‌تر با آن مواجه بوده‌ایم، شاید داستان این نمایش، شواهد تاریخی نداشته باشد، اما با نگاهی به اتفاقات بین شخصیت‌های نمایش و مراجعه به تاریخ می‌توان بخشی از واقعیت‌های تاریخی را در این نمایش جستجو کرد، جایی که قهوه فجری، قتل‌های رقابتی، مال‌اندوزی و رقابت‌های زنان حرمسرای شاه برای کسب موقعیت و قدرت به خوبی نمایانگر اوضاع آن روزگاران مردم ایران زمین است.

دسیسه چینی و کسب خبر از واقعیت امر هستند و در این مسیر حتی نقشه‌قتل یکدیگر را با عامریت نوکران خود می‌کشند.

کارگردان این نمایش با استفاده از نام «مار گاریتا» زن جدیدفرنگی و احتمالی ناصرالدین شاه که نام نوعی پنیر برای طبخ «پیتزا» است و استفاده از «پیتزا» به عنوان یک غذا و عنصر فرهنگی خارجی که در حال ورود به فرهنگ ایران است، مسایل جالبی را مطرح می‌کند. در ابتدا زنان شاه نمی‌دانند که «پیتزا» چیست، حتی آشپزان دربار هم نمی‌دانند و می‌خواهند باز عفران و عرقیجات و بادمجان، «پیتزا» درست کنند و به نوعی خود را پیش زنان شاه، و آن‌ها خودشان را برای شاه شیرین کنند و توجه‌اش را به سوی خود متمرکز کنند از سوی دیگر دستاورد شاه یک مملکت که برای سفر فرنگش، ملتی را درگیر باج‌خواهی دولت‌های انگلیس و روس کرده و آن‌ها را زیر بار قرض‌های متعدد برده است، تنها «پیتزا» است، او محصولی را برایشان به ارمغان آورده است که نه تنها دستاوردی علمی فرهنگی یا اقتصادی نیست، بلکه می‌تواند به طور کل تمامی حیات فرهنگی و عادت‌غذایی آن‌ها را مورد تغییر و تهاجم قرار دهد.

نمایش «اندرونی» نامشی با کمدی لطیف و موثر است که مخاطب‌اش را با خود همراه می‌کند و او را با خاطره‌های خوش از تالار ماه به بیرون می‌فرستد.

کارگردان نمایش با تکیه بر خلاقیت‌های گروه خود که همگی از دانشجویان تئاتر بودند، توانسته نمایشی را به صحنه بیاورد که با ساده‌ترین لوازم و مواد طراحی و ساخته شده بود تا تکیه کارگردان بر بازی بازیگرانش باشد، بازیگران جوانی که هر یک به فرآورد نقش خود، خلاقیت‌هایی را در صحنه به خرج می‌دادند، هر چند گاهی برخی نقش‌های فرعی‌تر می‌توانستند با توان بیشتری به ایفای نقش خود بپردازند.

کارگردان نمایش با بهره‌گیری از یک تکنیک ساده اما جالب توجه توانسته بود علاوه بر حفظ ریتم نمایش‌اش، موقعیتی کمدی ایجاد کند و از خستگی مخاطب برای شنیدن جزئیات بی‌اهمیت جلوگیری کند، در این تکنیک، به طور ناگهانی ریتم گویش بازیگران تند می‌شد و صدای ریزی مانند بالا رفتن سرعت نوارهای ضبط شده در صحنه از دهانشان خارج می‌شد.

پرداختن به نمایشی با موضوع اندرونی ناصرالدین شاه، در خود موقعیت‌های کمدی بسیاری دارد، زیرا بر کسی پوشیده نیست که بسیاری از تصمیمات جدی و حیاتی کشور در آن زمانه بیشتر شبیه یک شوخی بی‌مزه بوده است و حال که در معرض عموم قرار می‌گیرد، توجهی برای آن وجود ندارد. از سفر فرنگ ناصرالدین شاه خبر رسیده است که او قصد دارد یک زن ایتالیایی به نام مار گاریتا را با خود به ایران بیاورد و حال تمامی زنان حرمسرای او سوازی شاه تا شخص ملکه در حال



گزارشی از کارگاه داستان جشنواره طنز سوره

## چگونه نوشتن را چطور باید آموخت؟

بهناز شیربانی

کارگاه داستان، از مجموعه کارگاه‌های آموزشی هشتمین جشنواره سراسری طنز سوره، با حضور حسین یعقوبی برگزار شد. یعقوبی در ابتدای این جلسه با برشمردن عناصری که لازمه کار یک نویسنده است گفت: «دو عنصر بسیار مهم در کار یک نویسنده حرف اول را می‌زند و آن چیزی نیست جز استعداد و خلاقیت. این دور کن ویژگی‌های اساسی کار یک نویسنده است و چیزی است که می‌تواند فرق بین نویسنده خوب و بد باشد. اگر نویسنده‌ای این دور کن را داشته باشد، تا حد زیادی از دیگر همکارانش پیشی می‌گیرد و نتیجه کارش قابل قبول‌تر می‌شود.»

این ویژگی را ندارد البته باید این نکته را در نظر گرفت که در طنز نویسی الگو و شیوه خاصی تعریف کرد و از آن تبعیت کرد.»

این طنز پرداز معتقد است که نمی‌توان که نمی‌توان طنز و کمدی را در داستان نویسی تعریف خودشان را دارند و صحبت در مورد اینکه طنز و کمدی در داستان نویسی چگونه می‌تواند تعریف خودشان را داشته باشند، نیاز به بحث مفصل‌تری دارد.

او در توضیح «طنز سیاه» نیز گفت: «این که این نوع طنز وجود ندارد تا زمانی که کسی می‌گوید چنین موضوعی را دوست ندارد فاصله بسیاری است، نمی‌توان منکر وجود نداشتن این نوع طنز شد، آن وقت دیگر دلیل وجود بسیاری از آثار مطرح جهان را هم باید انکار کرد. این الگو، نمونه‌ای است که در بسیاری از رمان‌های مطرح جهان وجود دارد و صرفاً نمی‌توان گفت که خواندن آن‌ها مخاطب را ناامید می‌کند. بسیاری از رمان‌ها را هم می‌توان نام برد که با این شیوه نوشته شده است و چنین حسی را منتقل نمی‌کند.»

او خطاب به حاضران در این جلسه گفت: «این جلسات و برگزاری آن صرفاً به این منظور نیست که هر آن چیزی که در این کارگاه گفته می‌شود را شما باید بدون هیچ چون و چرایی قبول کنید. تمام گفته‌های من را کنار مطالعه آثار که مطالعه کردید و مطالعه خواهید کرد بگذارید و در نهایت خودتان تصمیم‌گیری کنید.»

او ادامه داد: «همه می‌دانیم که مطالعه نقش تعیین کننده‌ای در نگارش ایفا می‌کند. نویسنده‌ای که معمولاً مطالعه زیادی دارد، تفاوتی هم در آثارش می‌توان با دیگران مشاهده کرد و یکی از نقاط قوت این اتفاق این است که قطعاً می‌توان از دریچه نگاه جدیدتری به اطراف نگاه کرد و موضوعات ناب‌تری را برای نگارش انتخاب کرد.»

این طنز پرداز با اشاره به تفاوت‌هایی که بین قصه و داستان وجود دارد، گفت: «در ادبیات داستانی خودمان و نویسندگانی که آثارشان را مطالعه کردیم می‌توان نویسندگانی را نام برد که نحوه نگارش آثارشان این تفاوت را به خوبی نمایان می‌کند. در میان داستان نویسان ما با نگاهی به آثار جمال‌زاده مشخصاتی به چشم می‌خورد که می‌توان گفت او قصه‌نویس است و با کمی اختلاف در آثار صادق هدایت هم چیزهایی می‌بینیم که نشانه‌های داستان نویسی دارد. هر چند که این تقسیم‌بندی به هیچ وجه خط‌کشی شده نیست و نمی‌توان گفت که این دو نویسنده صرفاً یک سبک خاص را پیگیری می‌کردند. اما چیزی که به آن اشاره کردم از جمله مواردی است که این تفاوت را مشخص‌تر می‌کند.»

او با اشاره به تفاوت‌های موجود میان داستان کوتاه و بلند، گفت: «داستان بلند یا رمان تفاوت‌هایی با داستان دارد، از جمله این تفاوت‌ها این است که ما با خواندن رمان در جریان زندگی فردی که رمان در مورد او نوشته شده است مواجه می‌شویم. اما داستان

وقتی داوران جشنواره سوژه کاریکاتور نیست می شوند

# داوران جشنواره هشتم در قاب کاریکاتور





داوران جشنواره‌ها معمولاً محبوب خیلی از شرکت کنندگان نیستند! دلیل این موضوع هم که واضح است، همه می‌خواهند خودشان برنده شوند و اثرشان را محقق در یافت جایزه می‌دادند. البته شاید بشود به خیلی هاشان هم حق داد! مثلاً همین جشنواره فیلم فجر را در نظر بگیرید؛ در هیات داوران این جشنواره همه نوع آدم سینمایی با هزار و یک جور تخصص متفاوت حضور دارند. یعنی باز یگر می‌تواند حتی راجع به جلوه‌های ویژه فیلم هم نظر بدهد یا مثلاً آهنگساز فیلم می‌تواند در باره فیلمبرداری و تدوین اظهار نظر کند! به خاطر همین هم همیشه داوری این جشنواره‌ی جنجالی و حاشیه‌ساز است. اما داوری جشنواره طنز مکتوب یک فرق اساسی با دیگر جشنواره‌ها دارد. برای هر بخش این جشنواره یک تیم داوری متخصص مربوط به آن رشته در نظر گرفته شده تا مولای درز انتخاب‌ها نرود! البته همیشه نقص‌هایی هم هست اما استثناً در باره این جشنواره قوت‌ها بر این نواقص می‌چربد. اما حالا همین داورانی که در چند روز فشرده آثار طنزآنان را محک می‌زدند، سوزۀ کاریکااتور بست شده‌اند و کمی شوخی با آن‌ها شده است که تماشای این کاریکااتورها شاید برای شما خالی از لطف نباشد.





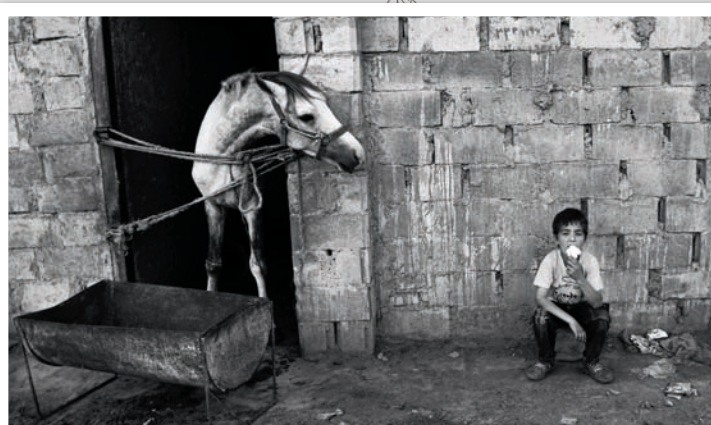
صاحب امتیاز: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی  
 نشریه هشتمین جشنواره طنز سورہ  
 سردبیر: فرنگیس یعقوبی  
 دبیر تحریریه: محمد حسین سلیمی  
 زیر نظر اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل

همکاران: بهناز شیربانی، امید حسین دوست  
 علی مهدوی، رسول فاتحی، علی پور موسی  
 سید جواد قوامی و...  
 اخبار: پایگاه خبری حوزه هنری

عکاس: محسن سیدی، علی حدادی اصل  
 امور هنری و صفحه آرا: داود پیشکار  
 نشانی: خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ  
 حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی



گناوه من پاریس: مهدی تنگستانی / نفر دوم فیلم کوتاه



عطار رنجبر زیدان لو / رتبه اول عکس



یوسف اکبری پایندی / رتبه سوم عکس



محمد صادق رضایی / رتبه دوم عکس



دوران خوش بازنشستگی: احسان جانمی / نفر دوم نمایش



متل: کاوه مهدوی / نفر اول نمایش



آقای مجنون، خانم لیلی: سید حسین ساداتی سلیمی / نفر سوم نمایش



گریپ فروت: کوروش عطایی / نفر سوم فیلم کوتاه